

احمد ضیا سپهر صدیقی:

## بمناسبت اول ماه می، روز همبسته گی جهانی طبقه کارگر

" روز همبسته گی جهانی طبقه کارگر، اول ماه می ۲۰۱۵، برابر با یازدهم ثور ۱۳۹۴ - خورشیدی، در حالی فرا میرسد. که طبقه کارگر در جهان کماکان در تضاد همیشه گی خود با دنیای سرمایه هر روزه به شکلهای مختلف در حال نبرد است."

### " ضرورت تشدید مبارزه برای کار و زنده گی شرافتمندانه! "

امسال از روز اول ماه می در حالی تجلیل به عمل می آید که طبقه کارگر جهانی خود را در شرایط بدتر و خطرناکتر می بیند، و بیشترین ضربات بحران اقتصادی جهانی را بدوش میکشد. و بیشتر از همه آسیب این بحران را متحمل میگردند، دستور کار همه دولتهای سرمایه داری و دیگر سازمانهای مالی - تجاری امپریالیستی مانند: " بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا و ..."، برای خروج از بحران گسترده اقتصادی جهانی، برای همه کشورها یکی است: کاهش دستمزدها، محدود ساختن تأمینات اجتماعی، کاهش خدمات اجتماعی، استبداد، برنامه های ریاضتی، حذف حقوق اجتماعی و بیکاری وسیع. و در حال گسترش. پیامدهای فاجعه بار این دستورها از همین اکنون روشن است. به گزارش موسسه اکسفام شکاف میان ثروتمندان و تنگدستان بیش از پیش افزایش یافته است. درآمد روزانه یک میلیارد نفر زیر یک دلار و ۲۵ سنت است، در حالی که دارایی ۸۰ ثروتمند برتر دنیا به اندازه دارایی تمامی تنگدستان جهان است.

همزمان با این اوضاع، با توجه به تضادهای امپریالیستی و تضادها بین دولتهای سرمایه داری و آنچه در عراق، سوریه، یمن، اوگرائین و افغانستان هم اکنون شاهدش هستیم شرایط کار و امکانات زنده گی شرافتمندانه را برای کارگران در تمام عرصه ها بسیار خطرناک گردانیده و وضعیت کار، شرایط کار و امنیت کار را بیشتر بسوی بدتر شدن سوق میدهد..

بیکاری در سطح جهانی بطور بیرحمانه‌ای به طبقه کارگر، خانواده و فرزندان آنان بخصوص زنان و جوانان این نیروی زحمتکش و پرتلاش آسیب می‌زند.

تعداد جوانان بیکار جهان بیش از هر زمان دیگری است. آمار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که ۲۶ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله در کشورهای توسعه یافته در استخدام، آموزش یا تحصیل نیستند: تعداد جوانان بیکار نسبت به سال ۲۰۰۷ رشد ۳۰ درصدی داشته است.

بر اساس گزارش یک آژانس سازمان ملل متحد، "نرخ بیکاری در سطح جهان امسال به بالاترین حد تاریخی خود رسیده است و این افزایش تا سال ۲۰۱۷ همچنان ادامه خواهد داشت".

اثرات بحران اشتغال به‌ویژه برای جوانان بسیار خطرناک و فاجعه‌آفرین است. در سال ۲۰۱۳ (۷۳/۸ میلیون)، جوان در سطح جهان بیکار بودند، و طبق گزارش «سازمان جهانی کار»، بر اثر کاهش فعالیتهای اقتصادی، تا سال ۲۰۱۴ حدود نیم میلیون نفر دیگر نیز به این رقم افزوده شده. در حالیکه در سال ۲۰۱۲ نرخ جهانی بیکاری در میان جوانان ۱۲/۶ درصد بود و پیش‌بینی می‌شود که این نرخ تا سال ۲۰۱۷ به (۱۲/۹) درصد برسد. نرخ بیکاری جوانان به‌ویژه در اروپا بسیار بالا است و در یونان و اسپانیا از ۵۰ درصد فراتر رفته است. در کشورهای اروپایی، ۱۲/۷ درصد همه جوانان نه کار دارند و نه به تحصیل یا کارآموزی مشغول‌اند.

طبق گزارش «سازمان جهانی کار»: «بحران مالی چشم‌انداز اشتغال جوانان را به شدت کاهش داده است و بسیاری از آنان از همان ابتدای ورود به بازار کار با بیکاری درازمدت روبه‌رو هستند». میزان بلند بیکاری در سطح جهانی به‌ویژه در بین قشر جوان و پر تحرک جامعه نه تنها برای جوانان مایه درد و رنج است، بل لرزه بر اندام دولتهای سرمایه‌داری هم انداخته است، آنها نمی‌توانند نگرانی خویش را از این وضع پنهان سازند. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در دیدار با روسای گروه مشورتی اقتصادی بی ۲۰ اخیراً گفت: "آمار و ارقامی که درباره بیکاری در جهان منتشر می‌شود نگران‌کننده است، حدود ۲۰۰ میلیون نفر در جهان اکنون بیکار هستند. حتی در برخی کشورهای جهان میزان بیکاری از ۲۵ درصد کل جمعیت فعال آنها نیز فراتر رفته است. در بین جوانان میزان بیکاری به مراتب فراتر از ارقام اعلام شده است. حتی در

برخی کشورها میزان بیکاری در بین جوانان به بیش از ۶۰ درصد می رسد و این فاجعه آمیز است. میزان بیکاری در بین جوانان در پرتغال بیش از ۴۰ درصد و در اسپانیا بیش از ۵۶ درصد است. پوتین افزود ادامه این وضع برای اقتصاد و محافل اجتماعی و سیاسی خطرناک است. "

امروز مبارزه علیه بیکاری و مبارزه برای حق حیات بیکاران و تأمین نیاز های اولیه برای زنده ماندن آنان، و حق داشتن یک شغل دائمی برای همه و مبارزه با عوامل ایجاد کننده این بیکاری های گسترده، به عنوان مجموعه یک مبارزه همگانی در سرخط وظایف مبارزاتی بشریت مترقی و عدالت خواد قرار گرفته است. و ما در این مبارزه خود را شریک میدانیم.

بجا است که فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری بمناسبت روز اول ماه می، روز همبسته گی جهانی طبقه کارگر، بیان داشته که : "ما برآنیم که، هیچ دلیلی وجود ندارد که کارگران در فقر زندگی بکنند و یا بیکار باشند؛ یا گرسنه بوده

و از بهداشت عمومی و مجانی محروم باشند، و یا درگیر جنگ های امپریالیستی باشند. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری از همه کارگران می خواهد که متحد بوده و زیر پرچم آن، با برپایی اعتصاب و راهپیمایی های رزم جویانه و اعتراضی، از حق اعتصاب دفاع نمایند. برای کار دایم و پایدار برای همه، حق داشتن سندیکا و حقوق اجتماعی و آزادی مبارزه نمایند."

اما در افغانستان:

از اول ماه می، روز همبسته گی جهانی کارگران در شرایطی در افغانستان تجلیل میگردد که، ناتوانی و بی کفایتی نظام حاکم و دولت به اصطلاح " وحدت ملی" در پاسخ به ابتدایی ترین مطالبات برحق و عادلانه زحمتکشان نه تنها به اثبات رسیده بل با گذشت هر روز افق تاریکتری را که کشور و مردمان آنرا به نابودی سوق میدهد در برابر مردم می گستراند.

در این روزها که کارگران، کارکنان و پیشه وران افغانستان به ابتکار فعالین سندیکایی وسازمانهای صنفی و مسلکی خویش با تدویر گردهماییها، اعتصابها و مظاهره های خیابانی از روز جهانی همبسته گی طبقه کارگر تجلیل بعمل می آورند، مفید دانستم به شکل بسیار فشرده به توضیح موقعیت کنونی کارگران و وضعیت کار در کشور بپردازم. ضرور است برای

درک و بازتاب دقیق وضعیت کار در کشور، باید به ارقام و احصائیه های دقیق مراجعه بدارم، اما متأسفانه تا کنون در افغانستان هیچ سرشماری دقیق و مورد قبول همه، صورت نگرفته است. مقامات دولت افغانستان می گویند: " در سالهای اخیر ناامنی چالش اصلی بر سر راه اجرای سرشماری در افغانستان بوده است". اداره احصائیه مرکزی افغانستان هم به همین دلیل ناگزیر شده که یک آمار تخمینی از جمعیت کشور ارائه کند. مسئولان تاکید دارند که این آمار "تقریباً دقیق" است.

در اپریل سال ۲۰۱۳، اداره احصائیه مرکزی افغانستان، جمعیت افغانستان را به صورت تخمینی بیست و هفت میلیون و پنجمصد هزار (۲۷ میلیون و ۵۰۰ هزار) نفر اعلام نموده، که از جمله ۱،۱۴ میلیون مرد و ۴،۱۳ میلیون آن را زنها تشکیل میدهند. بر اساس آمار این اداره هفتاد و چهار درصد جمعیت کل کشور روستا نشین هستند، این اداره تعداد کوچیهای کشور را یک میلیون و پنجمصد هزار نفر تخمین نموده ولی میزان دقیق زاد و مرگ و همچنین شمار مهاجرین افغان در خارج کشور را مشخص نکرده، این اداره تعداد شهروندان زیر سن کمتر از ۱۵ سال را در افغانستان بیش از ۱۱ میلیون نفر اعلام کرده است. میزان با سوادی در میان پسران در کشور به ۶۲ درصد و در میان دختران به ۳۲ درصد می‌رسد. اما هنوز نیمی از دختران افغان به مدرسه نمی‌روند. ( باید گفت که ابهامی که در آمار جمعیت و تصنیف آن وجود دارد رفع نشده در بسیاری موارد بر مبنای آمار ارایه شده از سوی اداره مرکزی احصائیه نمیتوان نتایج درست را برای یک تحقیق علمی استخراج نمود، زیرا آمار ارایه شده مبتنی بر سرشماری نیست، بلکه آمارهای تخمینی ( قسماً تبلیغاتی- سیاسی) است که با استفاده از نمونه گیری بدست آمده).

در دسامبر ۲۰۱۴، در گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل، که زیر عنوان "افغانستان سرزمین جوانان" در کابل نشر شده، اعلام گردید که تا پنج سال آینده شمار جوانانیکه واجد شرایط کار در افغانستان خواهند شد، به چهار میلیون نفر می‌رسد. براساس ارزیابی انجام شده هر پنج سال بیش از ۳ میلیون نفر به افراد در سن قانونی کار افزوده خواهند شد. (براساس قوانین افغانستان زمانی یک فرد حق استخدام در نهادهای رسمی و اشتغال به کار را دارد که به سن هجده سالگی رسیده باشد. این مدت برای کسانی که در فعالیتهای سبک مشغول می‌شوند ۱۵ و برای

کار آموزان ۱۴ سال مقرر شده است). این نوع ترکیب جمعیتی میتواند هم فرصت و هم تهدیدی برای نظام حاکم در کشور به حساب آید.

بر اساس گزارش وزارت کار و تأمینات اجتماعی افغانستان، از جمع جمعیت ۲۷ میلیونی افغانستان، بیشتر از ۱۰ میلیون نفر آن واجد شرایط کار هستند. مزید به آن در کنار کارگران داخل کشور حدود بیشتر از سه میلیون کارگر افغان، در کشورهای همسایه افغانستان و برخی کشورهای عربی مصروف کار اند و به بدترین شکل آن مورد استثمار قرار میگیرند. افغانستان باموجودیت بیشتر از ۴ میلیون کارگر بیکار دائمی، به بحران گسترده بیکاری متداوم دست و گریبان می باشد. بیکاری گسترده در کشور معضلی است که علاوه بر جنبه های اقتصادی- اجتماعی، دارای پیامدهای ناگوار سیاسی - امنیتی هم است به گونه ای که این عامل می تواند در صورت تداوم، باعث گسترش روز افزون بحرانهای دیگری از جمله، تشدید فقر، فساد، خشونت، خود کشی، اعتیاد به مواد مخدر و مهاجرتها و مصیبتهای هولناک دی گر گردد.

متأسفانه برغم ادعاهای بلند پروازانه رهبری دولت افغانستان در مورد کاهش بیکاری و ایجاد جای کار جدید برای بیکاران، بیکاری متداوم با همه جوانب و ابعاد منفي خویش در کشور به گونه وسیعی گسترش یافته و به یک بحران همه گیر مبدل شده است. کمتر خانواده ای متعلق به زحمتکشان را می توان یافت که در افغانستان زنده گی کنند و با این مشکل مواجه نباشند. بناء ضروری پندارم برای روشن شدن برخی از گوشه های معضل بیکاری در کشور، بالای چند نکته مکث بدارم:

### **نکته اول- ناتوانی دولت در امر بهشد زنده گی اقتصادی کارگران:**

بودجه سال ۱۳۹۴ افغانستان بالغ بر ۴۵۸ میلیارد افغانی، معادل (۸میلیارد دالر) است، که مطابق سنجشهای وزارت مالیه افغانستان، حجم آن ۳۳ در صد تولیدات ناخالص ملی را تشکیل میدهد، از مجموع ۸ میلیارد دالر بودجه ملی افغانستان، چهار میلیارد و نه صد میلیون بودجه عادی است، که برای مصارف روزمره نهادهای دولتی به مصرف خواهد رسید و سه میلیارد و دو صد میلیون دیگر به فعالیتهای توسعه ای در کشور اختصاص یافته است. رهبران " حکومت وحدت ملی!" در جریان انتخابات ریاست جمهوری، با دادن وعده های فریبنده، امید واریهای

واهی را در بین مردم ایجاد نمودند، (از مبرمترین وعده های انتخاباتی آنها میتوان به اختصار از ایجاد اشتغال، فراهم سازی مسکن، کاهش قیمت مسکن، توسعه تأمینات اجتماعی، بهشد زنده گی جوانان، حل معضل معتادین، تغییر مدیریت و کار در راستای دولت سازی خوب و ظرفیت سازی و اقدامات عملی در امر فقرزدایی و توسعه اقتصادی- اجتماعی و بهبود وضعیت زنده گی زنان مظلوم کشور یاد نمود)، ولی ارقام بودجوی، مبین آن است که نه تنها هیچ پروژه ای نو و هیچ برنامه، تدابیر و اقدام جدیدی برای تحقق حتی مبرمترین وعده های انتخاباتی " دولت جدید"، برای سال ۱۹۹۴، در نظر گرفته نشد است. بلکه بنابر فساد گسترده اداری- اقتصادی، نبود امنیت، کاهش سرمایه گذاری، رفتن به سوی رکود اقتصادی، فرار مالیه دهنده گان از تادیه مالیه، ضعف دولت در تطبیق قوانین مالی - تجاری کشور، عدم ایفای بموقع تعهدات دولت افغانستان در برابر کشورهای کمک دهند، ناتوان بودن نهادها و ادارات محلی در امر فعال نگهداشتن پروژه های مشمول بودجه، عدم کنترل دولت بر قسمت بزرگ از اقتصاد کشور و مهمتر از همه فقدان اراده سیاسی برای توسعه و بهشد وضعیت اقتصادی کشور، تمویل بودجه سال ۱۳۹۴ دولت، ( داخلی و خارجی)، فاقد ضمانت بوده، دولت قادر نخواهد شد وجوه مصارفاتی بودجه را آنچنانیکه پیشبینی نموده است تأمین بدارد.

بناء از نظر اقتصادی سال جاری دشوار تر از سال قبل برای مردم و بخصوص کارگران خواهد بود، و میزان فقر و بیکاری در این سال همچنان رو به گسترش باقی خواهد ماند.

اگر جامعه جهانی به کمک دولت نشتابد در اغلب بخشها، دولت نمیتواند حقوق کارمندان را بپردازد. همین اکنون دولت در پرداخت حقوق بیش از پنجمصد هزار کارمند دولتی به چالشهای جدی رو به رو است. بی ثباتی سیاسی و تنشهای درون نظام بر سر تقسیم قدرت عدم اطمینان بی سابقه ای را بر اقتصاد افغانستان حکمفرما ساخته است به گفته مشاور ارشد اقتصادی ریاست جمهوری افغانستان ( زاخیلوال) تنها در نتیجه تأخیر اعلام نتایج انتخابات و معرفی کابینه جدید، بیش از پنج میلیارد دالر به اقتصاد افغانستان صدمه زده شده و در حدود شش میلیارد دالر سرمایه های خصوصی از کشور خارج شده است.

کاهش کمکهای خارجی و بحرانی که دامنگیر "حکومت وحدت ملی" است تاثیرات منفی و مشهود بر بازار کار، تجارت، سرمایه گذاری، ارزش پول و چشمه های درآمد و عایداتی دولت گذاشته و پیشبینی های اولیه ای نهاد های بین المللی در مورد رشد اقتصادی افغانستان برای سال جاری را از سه و نیم در صد به دونیم درصد، کاهش داده است.

نکته دوم- چرا با وجود تقاضا به نیروی کار در مارکیتهای کار، لشکر بیکاران در کشور روز تا روز طویلتر میگردد؟

۱- عدم مهارت در کار و غیر فنی باقی ماندن کارگران، عامل دیگر بیکاریست، ما کارگر بیکار داریم، اما کارگر واجد شرایط، که مارکیتهای کار به آن نیاز دارد نداریم، ( همین اکنون تقاضا برای کارگران زراعتی که بتواند ماشین و الات زراعتی را به چرخش بیاورند و یا کارگران ساختمانی که با ماشین و آلا ساختمانی بلدیت داشته باشند در مارکیتهای کار وجود دارد). تا کنون پروژه هایی موثر و مفید برای بلند بردن ظرفیت و مهارت کارگران افغان روی دست گرفته نشده. سطح بیکاری در افغانستان نه تنها در میان کارگران دارای سواد کم و یا بی سواد بلند است بلکه در نزد جوانانی که از پوهنتونها و مکاتب فارغ می شوند نیز دیده می شود. نصاب آموزشی و تعلیمی با تقاضای مارکیتهای کار همخوانی ندارند.

۲- وجود کارگران خارجی در کشور عامل دیگری برای افزایش بیکاری برای جوانان و کارگران افغان گردیده، مارکیتهای کارمحلی در کشور برای کارگران خارجی باز گذاشته شده، هیچ نوع تدابیر حمایتی در رابطه به رقابت بین عرضه کننده های نیرو کار از سوی دولت به نفع کارگران داخلی اتخاذ نشده، کارگران افغان توان رقابت کاری را با کارگران خارجی ندارند، صاحبان سرمایه با خرید نیروی کار ارزان کارگران ماهر خارجی، سودهای بلند را نصیب میگردند.

۳- با ادامه ی ناامنی ها و گسترش بحران بیکاری، سالانه هزاران جوان افغان ترجیح می دهند که خطر مرگ را قبول کنند و از راه های غیرقانونی و پرخطر به کشورهای اروپایی و استرالیا مهاجرت کنند. ده ها تن از این جوانان در مسیر راه غرق می شوند که این موضوع حالا به بزرگترین نگرانی سازمان جهانی مهاجرت تبدیل شده است. همه ساله نیم میلیون جوان افغان وارد بازار کار می شوند و بسیاری آنها برای پیدا کردن کار تلاش می کنند که به کشورهای دیگر مهاجر شوند و یا مجبور میگردند که به گروه های مسلح مخالف دولت بپیوندند

۴- افزایش بیکاری سبب ازدیاد مهاجرت‌های غیر قانونی به کشورهای همسایه از جمله ایران و پاکستان نیز گردیده، این مهاجرت‌ها گاهی سبب از دست دادن جان کارگران افغان شده است، گزارش‌های که در رسانه‌ها بازتاب یافته است نشان می‌دهد که تعداد از جوانان کارگر مهاجر افغانی از سوی دولت ایران مجبور گردیده اند تا در جنگ‌های نیابتی سوریه و عراق و یمن به نفع دولت ایران اشتراک نمایند.

۵- تعداد زیادی از جوانانی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند. از رفتن به مکتب محروم اند و بیکاری مزمن دامنگیر شان می‌باشد. این جوانانی نا امید، که سعادت و خوشبختی برای آینده‌شان سراغ ندارند، مجبور اند برای فروش نیرو کار خود به بازارهای کار کشورهای همسایه بروند. اما در آنجا یا معتاد می‌شوند و ژولیده بر می‌گردند و یا اسیر شبکه‌های مافیایی قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های غیر مجاز می‌گردند.

۶- افزایش تعداد جمعیت جوان و نیروی مستعد به کار، و عدم سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی تولیدی که قدرت جذب نیرو کار دائمی را داشته باشد عاملیست که بحران بیکاری را تداوم بخشیده. تا کنون دولت‌ها در افغانستان سرمایه‌گذاری بالای پروژه‌های زود ثمر، رو بنایی و تبلیغاتی را نسبت به پروژه‌های اساسی زیر بنایی ترجیح داده اند. **ما برآنیم که:**

در جهان هیچ کشوری نیست که بیکار نداشته باشد؛ اما این کشورها برای حل این معضل پلان‌های علماً تدوین شده ملی و جامع دارند و در دشوارترین حالتها نیز از بحران بیکاری جلوگیری می‌کنند.

بدون شک برای مبارزه با بحران بیکاری در کشور به یک استراتژی (دراز مدت و کوتاه مدت)، اقتصادی که اساس آنرا اشتغال زایی و فقر زدایی تشکیل دهد نیاز است، ولی ضرور است تا عجلتاً دولت افغانستان، (حکومت وحدت ملی!) و نهادهای اقتصادی که با استفاده از نام بازار آزاد صرف به منافع شخصی شان می‌اندیشند برای جلوگیری از عمیق شدن این بحران گام‌های جدی بردارند و تدابیر عملی اتخاذ بدارند.

بصورت موجز، برای حل بحران بیکاری و جلوگیری از گسترش آن در کشور، نخست از همه بایست:

قوانین و مقرره‌های کار بازن‌گیری گردد و بر اساس نیاز جامعه در آن تغییرات بیاید،



نهاد حقوقی با صلاحیت، به اشتراک نماینده گان کارگران، برای نظارت از تطبیق قوانین که در ارتباط به کار در کشور نافذ گردیده در چوکات دستگاه عدلی- قضایی کشور بوجود آید،

ایجاد فرصتهای شغلی برای جوانان همراه با ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی در سرخط وظایف دولت قرار گیرد. و برای حل این معضل بزرگ اجتماعی - اقتصادی اقدامات جدی و مسوولانه بعمل آید،

با فراهم سازی آموزش، شغل، بهداشت و رشد استعدادها و قابلیتهای جوانان، باید آنان را به نیرویی بزرگ و پر تحرکی برای توسعه و انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور مبدل نمود،

باید جوانان افغان نقش قابل قبولی در توسعه کشورشان داشته باشند و در تصمیم گیریها در تمام سطوح مشارکت داشته باشند،

باید چرخه فقر و محرومیت نسل اندر نسل جوانان را از بین برد،

باید سرمایه گذاری برای جوانان به آشنایی آنان از حقوقشان، بهشد وضعیت بهداشتی، افزایش دانش و توانایی، خود آگاهی و درکل تواناسازی آنان در انتخاب مسیر زندگی شان منجر شود،

برای آموزش جوانان در بخشهای حرفوی- فنی و مسلکی اقدامهای جدی و موثر صورت گیرد و به افراد تحصیل کرده و متخصص ارج داده شود و در بخشهای متخلف اقتصاد ملی کشور برای متخصصین جوان و فارغان موسسات تحصیلات عالی سهم داده شود،

باید تدابیر حمایتی در رابطه به رقابت بین عرضه کننده های نیرو کار از سوی دولت به نفع کارگران داخلی اتخاذ گردد، تا کارگران افغان توان رقابت کاری را با کارگران خارجی ( بخصوص پاکستانی و ایرانی) در مارکیتهای کار پیدا نمایند.

در برنامه های اقتصادی درازمدت و متوسط مدت، دولت به سرمایه گذاریهای تولیدی زیر بنایی و پایه یی نسبت به سرمایه گذاری در پروژه های روبنایی و فصلی رجحان بدهد.

**نکته سوم- آغاز فصل نوین مبارزات کارکنان و پیشه وران:**

با آنکه گول بیکاری، فقر و فلاکت، صعود سرسام آور قییم کالاهای مورد نیاز اولیه مردم، تورم گسترده، کاهش قدرت خرید مردم، سوق توده های میلیونی تهی دستان به زیر خط فقر، بد

امنی، تشدید خشونت، صعود گراف فساد اداری- اقتصادی، بی عدالتی، سرکوب بیان و اندیشه و وضع محدودیتها در برابر آزادیهای دموکراتیک مردم هر روز بیش از پیش چهره ی واقعی نظام حاکم و نیروهای ترکیبی آنها به مردم نشان میدهد. با این حال هم، مبارزات کارگران و کارکنان موسسات و ادارات افغانستان نیز روز به روز روندی رو به افزایش داشته است.

درسالی که گذشت به رغم شرایط بد نظامی - امنیتی، نبود ثبات سیاسی در کشور و گسترش "انارشیزم کنترل شده!" در دستگاه حاکمه، با آنها حرکتهای مبارزاتی بخش هایی از کارکنان ادارات و موسسات دولتی و خصوصی در کشور به صورت گسترده تری به وقوع پیوست، به ویژه اعتصابهای سراسری پیشه وران شهر کابل، سرفصل نوینی مبارزات این بخشی از زحمتکشان را رقم زد. همچنین اعتراضات و اعتصابات مختلف برای افزایش دستمزد و حقوق تادیه نشده، اعتراضات علیه بیکاری گسترده و رو به افزایش، (بخصوص در میان جوانان) و عدم امنیت شغلی، علیه خصوصی سازی، اعتراضات علیه شرکتهای واسط و پیمانکاری، علیه عدم ایمنی در محیط های کار و اعتراضات برای کسب سایر مطالبات کارگری، صنفی، رشته یی و مسلکی، بسیار گسترده تر و متنوع تر از سالیان پیش انجام گرفته است.

#### **نکته چهارم: چگونه کارگران و کارکنان افغانی به مطالبات صنفی خود دست یابند:**

تجربه ی تاریخی مبارزات کارگران نشان میدهد که کارگران در هر ردیف حلقه، صنف و محل کاری که هستند تنها و تنها در اتحاد، وحدت، همبسته گی و سازمانیابی مستقل از دولتها و نهادهای متعلق به حاکمیتهاست استثمارگر و مستقل از کارفرمایان و تنها با تکیه بر نیروی سازمانیابی و تشکیلاتی خود قادر خواهند بود تا به مطالبات و خواستههای خود دست یابند و حق خود را بگیرند.

کارکنان جامعه افغانی که بخشی بزرگ و اساسی از زحمتکشان کشور را تشکیل میدهند، اعم از کارگران کارخانه ها، معادن، کشاورزی، ساختمانی و عمرانی، کارکنان خدماتی، کارکنان رشته های صحنی، کارکنان عرصه ی تعلیم و تربیه، آموزش و تحصیلات عالی (استادان و معلمان)، کارکنان حمل و نقل، پیشه وران شهر و ده و سایر کارکنان عرصه های تولیدی و خدماتی، و "بازنشسته گان" که آزادی فروش نیروی کار خویش را دارند، و به فروش نیروی کارشان دست

میزنند، و از طریق فروش نیروی کار خویش امرار معیشت می نمایند و قدرت انباشت سرمایه را ندارند همه و همه در مناسبات طبقاتی حاکم در کشور تحت استثمار و بهره کشی بی رحمانه و ستم قرار دارند؛ اینان همگی برای رهایی خویش از یوغ ستم و استثمار چاره ای جز مبارزه ی هماهنگ ، متحد و سازمان یافته و مستقل از تمام حاکمان ثروت و قدرت، علیه مناسبات حاکم استثمار گرانه و ظالم و استبدادی چه در شکل خصوصی و چه در شکل دولتی نداشته و ندارند.

**در فرجام این بحث باید گفت:** در شرایط کنونی با تسلط حاکمیت شبکه های مافیایی حاکم بر اقتصاد و سیاست کشور، بحران بیکاری و فقر روند انتها نا پذیر است، زیرا تا زمانی که دامنه جنگ و نا امنی و فساد گسترده اداری - اقتصادی از افغانستان برچیده نشود، برای مردم کار و اشتغال مهیا نگردد و دامن فقر و گدایی همچنان هموار باشد، دلیلی وجود ندارد که به این روند پایان داده شود. کنون که ما وارد صدو سی و دومین سال روز همبسته گی جهانی طبقه کارگرمیگردیم، با وضاحت باید گفت که، سال که گذشت به تمام معنا یک سال پر از رنج و عذاب و دشوار بود، در این سال لشکر بیکاران طولانی تر شد، پرداخت حقوق کارمندان به تأخیر افتاد، مزد و معاش کارمندان کاهش یافت، قدرت خرید تهی دستان نزول کرد، صدها کارخانه و نهاد تولیدی تعطیل گردید، فرار سرمایه تشدید شد و با وقوع حادثه المناک و تکان دهنده کشتن و سوزاندن یک زن مظلوم و داد خواه ( فرخنده) در مرکز شهر کابل از سوی مردان زن ستیز وابسته به حلقات ارتجاع بنیادگرای مذهبی و خرافه پسند به پایان رسید و هیچ روزنه برای بهشد زنده گی مردم گشوده نشد.

۲۹ اپریل ۲۰۱۵